

2016/19.12

گردآورنده: احسان لمر

بخش: نخبگان، شخصیت های تأثیر گذار تاریخی

بیوگرافی:

میر سید قاسم خان
«میر صاحب»

در خانواده فاضل و دانشمند عصر در سال (1267 ش - 1888 م) در چهار باغ ولایت لغمان طفلی متولد شد که اسم «سید قاسم» را برایش برگزیدند. پدرش سید غلام محمد پاچا از فضلاء و بزرگ مردان زمانش بود که حرمت بی پایان مردم برایش قایل بودند. میر قاسم تحصیلات خصوصی داشت که نزد پدر آموخته بود در شانزده سالگی عضویت دفتر "تالیف سراج الاحکام" را حاصل نمود بعد از دو سال به حیث معلم دری، پشتو و حساب به مدرسه حبیبیه مقرر شد. میر صاحب در حوت 1357 وفات نمود.

کارنامه ها :

سید قاسم خان در نهضت اول مشروطه، سهم داشت که بدین لحاظ زندانی گردید ولی نظر به حرمت شاه به مقام روحانی پدرش، بعد از یکماه امر آزادی او را صادر نمود و دو باره به حیث معلم تاریخ اسلام در مکتب حبیبیه تعیین شد.

در دوره امانیه رئیس تدریسات وزارت معارف، مستشار آن وزارت، مدیر جریده "امان افغان"، کفیل سرمنشی شاهانه، عضویت هیأت حل

قضیه شینوار با «محمدصدیق خان چرخي» را عهده دار بود. میرصاحب در دوره «حبیب الله کلکانی» پنج و نیم ماه زندانی شد که بعد از رهائی منزوی گردید. در دوره سلطنت «نادر خان» او را به حیث معین وزارت معارف مقرر نمودند که شهزاده «محمد ظاهر» (بعداً پادشاه) کفیل آن وزارت قبلاً شاگرد شان بود. بعد از قتل «نادر خان» در (16 عرّب 1312 ش - 8 نومبر 1933) او را به جرم اینکه معین وزارت معارف بوده و از عمل قاتل اطلاع نداشت؟! زندانی نمودند، «هاشم خان» صدراعظم بسیار تلاش نمود تا اعدام شود ولی به وساطت غیر مستقیم پادشاه حکم به حبس وی داده شد.

معلومات بیشتر:

میر صاحب در محیط فرهنگی و آموزشی (مکتب حبیبیه) با راد مردانی چون «مولوی واصف»، «کاکا سید احمد لودین»، «محمی الدین افغان» و هم دیگر مشروطه خواهان بیرون از آنجا ارتباط پیدا نموده، به قول خودش جراید "صور اسرافیل" و "حبل المتین کلکته" در انکشاف افکار و اندیشه های شان موثر بود که آن را پنهانی از دفتر «عبدالقدوس خان» اعتماد الدوله بدست میآوردند.

در جنبش مشروطیت دوم "جمعیت جوانان افغان" و در حلقه محافظه کاران و بعد از وفات «غلام محمی الدین افغان» ریاست گروپ را عهده دار بود که بنام "اخوت ایمانیه" یاد میشدند به قول از «استاد هاشمی» "شاید این نام ملهم از طرز تفکر پان اسلامیت ها و خلافتی ها باشد. چنانچه «مولوی برکت الله خان» تقریباً عین نام را در مقاله خود در سراج الاخبار افغانیه یاد کرده است." **1**

در زمانیکه سر دبیر روز نامه «امان افغان» بود سر مقالات و مطالب نهایت بیدار گرانه از خامه شان بجا مانده به گونه مثال :

"بدبختانه غریبها (اروپائیها) برخلاف ما شرقی ها خیلی دقیق النظر و دوربین بوده هیچ گاهی قضایا و مسائل دنیا را به نظر لاقیدی تلقی نه می کنند. ابدأ چیزی را به نگاه بی اعتنائی، بی اهمیتی، حقارت و بی قدری نه می نگرند کوچکترین اشیا و امور را با دیده فلسفیان و استفاده کارانه دقت و غور مینمایند، حرکات و حوادث را قبل از وقوع پیش بینی و نتایج مثبت و منفی آنرا بخود کشف مینمایند.

غریبها استفاده چی محض بوده لب نه می جنبانند تا حرفی در میان نباشد قدمی بر نمی دارند تا چیزی در نظر نه باشد. حرکت و سکون، جد و عزل، تعارف و تجاهل، اقبال و اهمال، التفات و بی التفاتی، طرفداری و بی طرفی شان بکلی مبنی بر غرض و داشتن یک نصب العین است. از آنجاست که همه وقت مراقب غرض بوده موقع استفاده را ابدأ خطا نه می کنند و فرصت را از دست نه می دهند.

غریبها برای رسیدن به مقصد و به دست آوردن منظور خویش خواه جلب منفعت باشد یا جلوگیری و طرد مضرات آن قدر بیش تر اقدام و عملیات می نمایند و طوری وسایل و وسائط لازمه را بکار می اندازند که ما شرقی ها ابدأ به اسرار آن نمی رسیم و منویات شان از آن عملیات پی نه می بریم مگر وقتی که آنها کامیاب و خود را ناکام می بینیم و دست افسوس و ندامت بر سر می زنیم .

کسی دقت نکرد که چرا انگلیس ها از سالها فراری های افغان را در هند نگاه می دارند، احترام میکنند، معاشات گراف می دهند، مناصب و خطابات می بخشند؟ کسی فکر نکرد که چرا قشون انگلیسی در واقعه سودان از عساکر مصری هم راهی نمودند و تلفات خطیر جانی و مالی در این راه دادند؟ هکذا بسی از این قبیل مسائل و قضایای بزرگ زیر نظر است که نتیجه آن را در موقعی فهمیدیم که خود را دچار بلا یافتیم....

بالجمله غربی ها مثل سایر امور از دین هم استفاده میکنند و آن را وسیله پیشبرد مقاصد خود ساخته کار میگیرند. اگر دین را بی اهمیت می بینند مقصدی دارند. و اگر به دین اهمام و احترام میکنند نیز برای غرض است."

پس از آنکه گزارشی می نویسند که در لندن کنگره توحید نظرهای عقاید کلیسا های بریتانیه دایر شد و متعاقب آن در اکسفورد کنگره دیگر غرض ارتباط علم و دین عیسویت دایر گردید. پس از ختم آن دو «کنگره ادیان» مختلفه داخل امپراطوری بریتانیه دایر شد و در ادامه می نگارند که:

"چونکه این کنگره ادیان بر نماینده های تمام ادیانی که پیروان آنها در داخل امپراطوری انگستان وجود دارند، محتوی است مهم ترین ادیانی را که بروی زمین است به یک راه می آورد. امپراطوری انگستان از (460) میلیون انسان متشکل است که سدس این عده نصرانی است و مسلمان ها دو برابر نصرانی ها و هندوها دو برابر مسلمان ها بالغ به (210) میلیون میشود...

متعاقب قرائت اثر شیخ خادم که شیعیت را ایضاح (روشن کردن و واضح ساختن) نمود جلسه تعطیل شد.(قبل از آن درباره مذهب تشیع در اروپا شناخت چندانی نبود) در اجتماع دومین جلسه وکیل رئیس دارالفنون (دور عام) سر (لیودور موریون) کرسی ریاست جلسه را اشغال نمود. مومی اله مرزا بشیر الدین محمود رئیس فرقه افراطی مذهب قادیانی را به حضور حاضرین به صفت خلیفه ثانی (میرزا غلام احمد مسیح موعود!) تقدیم داشت. میرزا محمود قادیانی نمی توانست و عادت هم نداشت که چند ساعت متوالاً به حضور 12000 نفر هم نطق کند و هم لاهه را که نوشته بود قرائت نماید بناً به یکی از کاتب ها رجا کرد تا نطق او را احضار نموده بود قرائت نماید. این نطق خلاصه یک رساله صد صفحه بود. در این کنگره علاقه مندی ما با بیاناتی که بنام اسلام ایراد و ایضا شده بلا شبهه بیشتر است در رجال مسلمان هندوستان علمای اسلامی که بتواند دین اسلام را کماهی و بطور حقیقی ایضاح نمایند بسیار است. تا این وقت از مطالعه مطبوعات انگلیسی به دانستن تمام اشخاصی که برای نمایندگی از طرف دین اسلام در این کنگره شرکت داشتند موفق نشدیم. فقط چیزی که از مطبوعات انگلیسی در این زمینه استفاده گردید این

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

گفتیم که وی را به اتهام اینکه معین وزارت معارف بود و یک متعلم شاه را کشته بود زندانی کردند، در یکی از روزهای تحقیق از وی پرسیدند که:

"شما که معین یک وزارت بودید چگونه از سلوک و افکار شاگردان مدارس مطلع نشدید تا شاه را بکشند؟" «میر صاحب» جواب داد که: "این سلطنت به مثابه سقایی است که مشکش را پف و متورم ساخته و دهانش را می‌دوزد، آنگاه رویش نشسته به قدری می‌فشارد تا مشک بترقد، این حادثه نتیجه اعمال و روش خود شما نسبت به مردم افغانستان است. اگر عبدالخالق اینکار را نمیکرد، دیگری می‌نمود در آینده نیز چنین خواهد بود" ⁴

سی‌نه روز بعد از کشته شدن «نادر خان» مجلس وزرا دایر و لیست محکومین توسط «سردار فیض محمد ذکریا» وزیر خارجه قرائت می‌شد چون اسم «میر صاحب» را خواند علاوه نموده گفت قرار تحقیقاتی که در باره محکومین در ظرف این چهل روز به عمل آمده «میرسید قاسم» در قضیه شهادت اعلیحضرت بکلی بری الزمه بوده هیچ گونه دخالت و یا آگاهی در این مسئله نداشته است حتی کوچک ترین اطلاع استخباراتی هم در باره او در این چهل روز تحقیقات به مشاهده نه رسیده. در این وقت وزیر عدلیه «مرحوم فضل احمدخان مجددی» اظهار داشت که شاید در این مسئله دخیل نه باشد اما او کفر گفته و مستوجب اعدام میباشد. «سردار فیض محمد خان» پرسید که چه وقت کفر گفت؟، «حضرت صاحب» اظهار داشت که شش ماه پیش، «سردار فیض محمد خان» گفت: حواله باقیات هر چیز را شنیده بودم. اما از کفر گفتن را حالا می‌شنوم، پس چرا در همان وقت که «میر سید قاسم» به کرسی معین وزارت معارف نشسته بود او را محکوم نکردید، که من هم یک سنگ بر فرقه می‌زدم، باید برای مجلس محترم این مسئله را خاطر نشان نمایم که «سید جمال الدین افغان» با وجود اینکه در ایران به حیث یک اجنبی بود اما اتهام و توهینی را که از جانب حکومت ایران نسبت به او شد از طرف شاگردانش در آن جا بی‌جرا نماند «میر سید قاسم» یک عالم منور است که در این جا مقام استادی دارد... اگر او را جهت استجواب به مجلس اجازه دهید بهتر خواهد بود، بنابر آن او را از محبس ارگ به صدارت آوردند، اما مدعیان می‌دانستند که با آن تبحر علمی و منطق قوی که او دارد نمی‌توانند که با وی محاضره (سوال و جواب حضوری گفت‌گو در موضوعی که در محفلی مورد بحث قرارگیرد)، یا محاجه (خصومت ورزیدن، حجت آوردن، مخاصمه) نمایند لذا حضور او را در مجلس مانع شدند... " ⁵

یک روز بعد دولت، افسران رژیم، وکلای گذر (کابل و اطراف آن شهر) و عده از درباریان را در صدارت خواسته تصمیم خودشان را به عنوان " فیصله قضایی " به آنها ابلاغ نمودند که باز هم «مجددی» قضیه کفر گفتن «سید قاسم خان» را عنوان نمود و این بار دو نفر «عبدالرب تره کی» رئیس تمیز و «محمد ابراهیم کاموی» (پدر «موسی شفیق») عضو جمعیت العلماء را منحیث شاهدین گفتار کفرآمیز «میر صاحب» معرفی نمود و "تره کی" شهادت داد که: "من و «مولوی کاموی» روزی به دیدن میر رفته بودیم، میر در ضمن صحبت گفت که قرآن کلام خدا نیست محمد آنرا خود گفته است." ⁶

"استفاده از مذهب در جهت تقویت پایه های نظامهای غیر مردمی یکی از شیوه های کهنی است که تا هنوز به همان قوت خویش باقی مانده ... در کشور ما رهبران سیاسی مختلفی سعی ورزیده اند تا حتی چند را در این راه استخدام نموده و آلودگی های خویش را با لنگی، عبا و قبای ایشان پاک نمایند که نمونه های تاریخی آن به همگان هویدا است" ⁷

به قول از شادروان «غبار»، «احمد علی لودین»، «فضل عمر مجددی» (حضرت شور بازار)، «سر بلند خان جاجی»، «اصیل خان» و «سرگی خان» جنرالان اعزازی «نادر خان»، «عبدالغنی خان گردیزی» قلعه بیگی (قوماندان امنیه) «محمدغوث خان» نائب سالار چند تن دیگر طرفدار اعدام «میر صاحب» بودند و حتی در جریان اجتماع صدارت «احمد علی لودین» و «عبدالغنی خان» و... به «سردار فضل احمد ذکریا» وزیر خارجه حمله نمودند که چرا در دفاع از «میر سید قاسم» برآمده بود.

"«میرصاحب» وقتی محکوم به اعدام گردید و با دست ها در زولانه و پا ها در زنجیر بسوی محل اعدام یعنی دهمزنگ روان بود، گفته میشود که «سردار فیض محمد خان زکریا» وزیر معارف وقت به شفاعت نزد هاشم خان صدراعظم شتافت تا جزای میرصاحب را از اعدام به زندان تغییر دهد. این شفاعت مورد قبول صدراعظم قرار گرفت و هنوز محکومان در حوالی مکتب نجات سابق و ماشین خانه نرسیده بودند که اطلاع به موظفین اعدام رسید و میرصاحب را از ردیف جدا کردند و به زندان بردند

در این ارتباط من سالها قبل از چند منبع موثق شنیدم که چون میرصاحب مدتی به حیث معلم اعلیحضرت محمد ظاهر شاه ایفای وظیفه میکرد و شاه سخت به او احترام داشت، با اطلاع از محکومیت میرصاحب به اعدام شاه ناراحت شد و چون خودش جرأت ابراز نظر و هدایت مستقیم را به کاکای خود سردار هاشم خان نداشت، فوری موضوع را با فیض محمد خان در میان گذاشت و از او تقاضا کرد تا پیام و خواهش پادشاه را به صدراعظم برساند. این کار صورت گرفت و هاشم خان مجبور شد امر تخفیف مجازات میرصاحب را بدهد و اما نه خواست آنرا شایع سازد که

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

این کار به تقاضای پادشاه صورت گرفته است. لذا کریدت این اقدام در اذهان عامه و نیز در حلقه های رسمی به وزیر معارف «فیض محمد زکریا» داده شد. این روایت گمان میکنم بیشتر قرین به واقعیت است، زیرا «هاشم خان» کسی نبود که به شفاعت «فیض محمد خان» از نظر خود مبنی بر صدور حکم اعدام بگذرد، مگر آنکه ناگزیر به تمکین به تقاضای پادشاه شده باشد. 8

ادعای «سردار هاشم خان» در دوران بیکاری برای «سید مسعود پوهنیار» پسر «میر صاحب» در لندن که گویا «شاه محمود خان» برادر سکه «نادر شاه» طرفدار اعدام «میر صاحب» بود و او مخالف آن، به شهادت صفحات خونین و سیاه دوره صدارت او مطلقاً جعل و دروغ بوده کدورت های داخل خانوادگی اختلافات و اندر داری بین دو برادر را نشان می دهد. «میر صاحب» در دور صدارت «شاه محمود خان» از زندان آزاد و در کابینه او به جای «فضل عمر مجددی» به حیث وزیر عدلیه مقرر شد.

در سال (1955 م) «میر صاحب» متقاعد گردید. بعد از کودتای سرطان 1352 همراه با نواسه خود به دیدن رئیس دولت رفت و «داود خان» بعد از احترام و دست بوسی برایش گفت: "با این پیری و زهیری لازم نبود که شخص خود شما زحمت کشیده برای تبریک می آمدید. همین که پرزه کاغذی می فرستادید کافی بود. و من از شما خواهش مند دعا هستم. «میر صاحب» به جواب گفت: «جمهوریت افغانستان از سالها به این طرف آرزوی قلبی من بود اکنون خوشحال شدم که در این اخیر عمر آن آرزو بر آورده شد لذا خواستم که رئیس جمهور افغانستان را به چشم خود ببینم" 9

«میر صاحب» با یکی از نواسه های «سید دکنی» ازدواج نموده بودند. در (22 حوت 1357 ش - 11 مارچ 1978 م) به عمر نود سالگی وفات نموده و آنچه شایسته مقام و حرمت بر او بود ادا نشده و خاموشانه بخاک سپرده شد.

عشق شور انگیز ما را بر سر کوی تو برد
بر تلاش خود چه نیازم که ره سوی تو برد
شادروان میر سید قاسم

مآخذ:

- 1- استاد سید سعد الدین هاشمی - جنبش مشروطه خواهی در افغانستان - پاورقی ص 294 جلد اول چاپ سال 2001 سویدن.
- 2 - میر سید قاسم - کنگره ادیان در انگلستان - امان افغان شماره 18017 سال پنجم شنبه 30 عقرب 1303 شمسی چاپ مطبعه حروفی ماشین خانه
- 3- خواجه بشیر احمد انصاری - شیخ شهر ما؛ مظهر آمیزش مقدس و ملوث - مقاله در سایت انترنتی. اکتبر 2005 www.afghanistannews.org/ansari2.htm
- 4- شادروان غبار - افغانستان در مسیر تاریخ - ص 164 جلد دوم.
- 5- سید مسعود پوهنیار - جنبش مشروطیت و قربانیان استبداد - ص 160 چاپ پشاور سال 1375 ش.
- 6- غبار، ج دوم ص 168.
- 7- خواجه بشیر احمد انصاری .
- 8 - دکتور عبدالله کاظم - یادداشت در صفحه نظر دهی سایت افغان جرمن مورخ 2016/12/26
- 9 - پوهنیار ص 198 .

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند